

نشست

آسیب شناسی کشتار مسلمانان در نارداران باکو

در نشستی که در روز پنجشنبه 17 دی ماه 1394 در موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران با حضور آقایان حسن کریمی، امیرعلی تبریزی، حیدر علوی، حسین سرحدچی، حسین سالاری میانه و محمدصالح جوادی برگزار شد و کارشناسان و صاحب نظران به بحث و تبادل نظر پیرامون کشتار شیعیان در نارداران باکو پرداختند.

در ابتدا آقای حسن کریمی گفت: در خبرها آمده بود که پلیس باکو در روز پنجشنبه پنجم آذر 94 با حمله به مسلمانان شهرک نارداران در 30 کیلو متری شمال باکو پنج نفر از مسلمانان این شهرک هشت هزار نفری را شهید و 20 تن را زخمی و تعدادی از آن جمله طالع باقر اف رهبر جنبش اتحاد مسلمانان مبارز را دستگیر کرد.

در اخبار ساعت 21 شبکه یک جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه 12 آذر 1394 گوینده در نهایت شگفتی بدون هیچ تحلیلی و فقط به نقل از وزیر کشور جمهوری آذربایجان با تروریست خواندن مسلمانان نارداران آنها را متهم به داشتن اسلحه برای کودتا کرد.

خبرگزاری رسمی دولتی ایران یعنی جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری فرانسه حادثه سرکوب مسلمانان نارداران را درگیری پلیس باکو با یک گروه افراطی در روستایی در شمال باکو که با نارنجک و سلاح خودکار به پلیس حمله کرده اند دانست که در اثر این حادثه 20 پلیس در دفاع از خود و چهار عضو این گروه افراط گرای غیر قانونی کشته شدند.

((<http://www.Irna.ir/News/8185575>))

در خبر دوم، خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس علل حضور پلیس باکو را در شهرک نارداران را برقراری نظم و امنیت دانست.

<http://www.Irna.Ir/news/81862450>

بعد از این سرکوبی مجلس جمهوری آذربایجان در روز جمعه 13 آذر 94 با تصویب قانونی در قالب اصلاحیه قانون اعتقادات دینی نصب پرچم حسینی در معابر و خیابان ها را ممنوع کرد و برای متخلفین جریمه 4 تا 20 میلیون تومانی و مجازات حبس یک ساله در نظر گرفت. بر اساس این قانون آن عده از شهروندان جمهوری

آذربایجان که در خارج از کشور تحصیل دینی داشته اند (ایران) نمی توانند عهده دار اجرای مراسم دینی باشند.

نیروهای وزارت کشور جمهوری آذربایجان بعد از سرکوب مراسم حسینی شهرک نارداران کلیه پرچم های حسینی را از خیابانها و کوچه های این شهرک برچیدند و شعارهای حسینی را از دیوارهای این منطقه پاک کردند . به علاوه به دستور مقامات امنیتی برق و آب و گاز این شهرک قطع شد.

خبر های ضد اسلامی و ضد ایرانی جمهوری آذربایجان در ایران به درستی منعکس نمی شود به عنوان مثال می توان به سفر الهام علی اف رئیس جمهور کشور مسلمان جمهوری آذربایجان به عربستان در اردیبهشت 1394 در اوج سرکوب مردم یمن اشاره کرد که هیچ انعکاسی حتی به صورت زیرنویس در صدا و سیما نداشت که با پیگیری های به عمل آمده مسئولین اطلاعات و اخبار صدا و سیما خبر این مسافرت را جعلی قلمداد کردند.

مقامات باکو با اطلاع دقیق و اطمینان از انفعال رسانه های ایران از طریق مجاری دیپلماتیک ، به آرامی در حالی گسترش پروژه نفوذ خود در ایران هستند به طوری که در سالیان گذشته بسیاری از رسانه های ایرانی سرکوب های مسلمانان و اقدامات ضد ایرانی باکو را با تاخیر و صرفاً با نقل و قول شبکه های صهیونیستی آتی وی و آذ تی وی منتشر کردند در حالی که خبرگزاری های ضد اسلامی و ضد ایرانی جمهوری آذربایجان همچون ترند ، آپا و آینس بدون دردسر از مجاری دیپلماتیک مجوز فعالیت در ایران دریافت کرده اند.

یکی از دلایل سرکوب مردم مسلمان شهرک نارداران تعلق خاطر شدید آنها به اسلام و برگزاری مراسم پرشور مذهبی به ویژه در ماه های محرم ، صفر و رمضان و مقاومت در برابر استحاله دینی دیکته شده از سوی اتحادیه اروپا نظیر لغو ممنوعیت همجنس بازی و گسترش آن ، کشف حجاب در مدارس ، چاپ کتاب آیات شیطانی ، باز نشر کاریکاتور موهن و جسارت آمیز علیه پیامبر عظیم الشان (ص)، آزادی فعالیت های ضد اسلامی گروه های بهائی ، صهیونیستی ، میسونرهای مذهبی و امثالهم برای ورود باکو به این اتحادیه می باشد .

در کنار این مبحث می توان دلخوری مقامات باکو از استقبال گسترده این شهرک از آیت ... نوری همدانی را افزود ضمن این برخلاف پروتکل توافق شده بازدیدها حضرت آیت ... نوری همدانی با کمیته امور دینی جمهوری آذربایجان ، روحانی مبارز و آگاه طالع باقر زاده در اقدامی ناهماهنگ با بعضی از مقامات ایرانی هماهنگ با باکو در مذاکره با معظم له حمایت ایشان را برای این بازدید از شهرک نارداران

جلب کرد. امری که زمینه دستگیری طالع باقر اف را از سوی وزارت کشور جمهوری آذربایجان به اتهام در دست داشتن اسلحه فراهم کرد. جالب آن که نمایندگی صدا و سیما در باکو در کمال تعجب طی گزارشی اعلام کرد که به دلیل ازدحام پرشور مردم شهرک نارداران از حضرت آیت ا... نوری همدانی موفق به ضبط حتی چند ثانیه ای این جریان نشده است. به هر حال همه کوشش های سیاست خارجی ایران بر این استوار است که خم به ابروی این یار نامهربان نیاید.

آقای امیرعلی تبریزی بحث نارداران را به سیاست های رسمی دولت باکو برای سرکوب شیعیان مربوط دانست. وی دوازده دلیل درباره اتخاذ سیاست های استالینی علی اف در سرکوب شیعیان نارداران و دیگر نقاط جمهوری آذربایجان را بدین صورت برشمرد:

1. تینک تنک های (اتاق های فکر) فعال در آذربایجان (که همسو با سیاست های رژیم اسرائیل هستند) به این نتیجه رسیدند که با توجه به ضعف و ورشکستگی نیروهای غربگرا در باکو، شیعیان جمهوری آذربایجان بویژه جنبش اتحاد مسلمانان و حزب اسلام که رویکرد سیاسی نیز دارند، مهمترین تهدید از نظر حاکمیت برای آینده قدرت خاندان علی اف می باشند.

2. حوادث فعلی ادامه و تشدید روند شیعه ستیزی در جمهوری آذربایجان می باشد؛ جمهوری آذربایجان از سال 2010 موج جدید سرکوب شیعیان را در موضوع اعتراض ها به حجاب ستیزی شروع کرده و تحولات نارداران در ادامه این روند است. در نتیجه این مسئله پروژه ای است که از سال های قبل شروع شده و روند شیعه ستیزی در آذربایجان روند جدیدی نیست. بلکه از دوره خاندان علی اف شروع شد (در چندین مرحله) و بخصوص از سال 2010 با اشکال مختلفی ادامه پیدا کرد.

3. موفقیت نسبی طرح های جمهوری آذربایجان در به انفعال کشاندن اغلب رسانه های ایران که تنها تریبون فشار بر باکو و حمایت موثر از شیعیان هستند، در وقوع حوادث نارداران موثر بوده است. ابعاد این پروژه انفعال بسیار وسیع و از اقدامات فنی تا همراه کردن سفارت ج.ا. ایران در باکو در روند فشار به رسانه های منتقد جمهوری آذربایجان را شامل می شود. «این یک پروژه است. اینکه چرا رسانه های ما در یکی دو سال اخیر تغییر رویکرد دادند، دلایل متعددی را شامل می شود. باید دید در این پروژه انفعال، سهم تحرکات آذربایجان چقدر است، سهم پیگیری های سفارت چه اندازه است؟ اگر ما در این حوزه ضعف نداشتیم آذربایجان جرأت نمی کرد چنین پروژه ای را در نارداران شروع کند. پیش از این موارد دیگری بود که با ورود رسانه و افشاگری آن خنثی شد و آذربایجان نتوانست استارت آن ها را بزند. مثل تصمیم به برگزاری کنگره یهودیان در باکو و ...»

4. «مطلب بعدی بحث دیپلماسی است.» آگاهی (طرف آذری) از این رویکرد منفعلانه سفارت و اینکه رویکرد سفارت مبتنی بر توسعه مناسبات اقتصادی بدون توجه به سایر وجوه منافع و مصالح ملی است. «آمارهایی که توسط ادارات گمرک به ثبت رسیده نشان می دهند که تحول شگرفی در آن روی نداده است.

5. توافق محرمانه در جریان سفر غیرمنتظره الهام علی اف به عربستان سعودی در تابستان سال 1394 (بخشی از طرح کلی ریاض برای سرکوب جهانی شیعیان). «سفر مهم و غیر منتظره ای که طی آن توافقاتی برای تثبیت موقعیت وهابیت در آذربایجان و استفاده از اهرم وهابیت علیه شیعیان به منظور اجرای طرح ریاض انجام شد.»

6. انحراف افکار عمومی از برگزاری فاسدترین انتخابات پارلمانی در طول تاریخ جمهوری آذربایجان

7. انحراف افکار عمومی از فاجعه نفوذ وهابی های تکفیری در وزارت امنیت ملی آذربایجان و دیگر ارگانها و انحلال آن. «این مسئله در عزل و نصب های مقامات این وزارت مشهود است.»

8. نشان دادن چراغ سبز به وهابی ها (با انگیزه های مختلف از جمله اطمینان به آنها در مقابله با شیعیان) «ما شاهدیم عربستان در 15 سال گذشته یک شبکه در آذربایجان تشکیل داده است. عربستان از طریق شبکه ای که در مساجد

تشکیل داده در قصبه مشفق آباد وهابی ها را متمرکز کرده و گفته می شود آنها را مسلح کرده است. کسانی که مطرح می کنند روابط ایران و آذربایجان برد-برد شده باید از آنها پرسید آیا ما توانستیم جلوی وهابی شدن حتی یک قصبه شیعه را بگیریم.»

9. جلوگیری از پرشدن خلاء ناشی از ممنوعیت و محدودیت های اخیر برای طرفداران عبدالله گولن در جمهوری آذربایجان توسط شیعیان

10. نقش ترکیه برای هزینه سازی برای ایران به دلیل تقابلات منطقه ای دو کشور. «اردوغان به عربستان می رود، آیت ا. نمر اعدام می شود، در جمهوری آذربایجان نیز ترکیه از ابزارهایش برای فشار به ایران استفاده می کند.

11. رژیم اسرائیل به جمهوری آذربایجان به عنوان پایگاه امن منطقه ای صهیونیسم نگاه می کند نه صرفاً یک متحد، که اگر اسرائیل ناامن شد چهار میلیون یهودی را به آذربایجان منتقل کند. وجود آپارتمان های خالی که به کسی هم فروخته نمی شود برای همین منظور است. حضور تشکل های شیعی فعال در جمهوری آذربایجان مانعی در قبال این هدف توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی است.

12- نشان دادن چراغ سبز به واشنگتن که علیرغم سردی مناسبات باکو با اروپا و امریکا که در ظاهر به دلایل حقوق بشری می باشد، با این مضمون که باکو حتی در چنین شرایطی نیز به تعهدات خود برای سرکوب نیروهای انقلابی و شیعی در قبال غرب پایبند است. «ماجرای نارداران در واقع به اروپا و امریکا یادآور می شود که آذربایجان همچنان به تعهدات خود برای سرکوب نیروهای انقلابی و شیعی در قبال غرب پایبند است.»

آقای حیدر علوی سخنران بعدی این نشست بود که برای این جلسه به بررسی اسناد ویکی لیکس در رابطه با موضوع نارداران پرداخت که مهمترین موارد آن عبارت است از:

1. در جستجوی کلمه نارداران در ویکی لیکس، فهرست نزدیک به یکصد سند ارائه می شود که بطور مستقیم یا غیر مستقیم به نارداران مربوط است، با موضوع اسناد به احیای اسلام در جمهوری آذربایجان به نارداران مربوط می شود.

2. اسناد ویکی لیکس نشان می دهد که مطالعات آمریکا درباره نارداران از اوایل ریاست جمهوری الهام علی اف و با تهیه گزارشی از طرف سفارت آمریکا در خصوص احیای تعصب مذهبی در جمهوری آذربایجان در سپتامبر 2006 آغاز شده است. این موضوع مصادف است با اعتراضات در نارداران به انتشار مقاله رافیق تقی در نشریه صنعت علیه پیامبر گرامی اسلام. در سال 2006 در بحث اعتراضات به انتشار مقاله اهانت آمیز نشریه صنعت علیه مقدسات اسلامی و پیامبر گرانقدر اسلام، نقش برجسته و آغازکننده نارداران مورد توجه آمریکا بوده است. (در یکی از گزارش ها به نقش برنامه کومپاس شبکه سحر نیز اشاره شده است.) جریان سازی و افشاگری رسانه ای درباره عاملان اهانت به مقدسات اسلامی و اعتراض هایی که از نارداران آغاز شد، منجر به صدور فتوای مرگ برای رافیق تقی شد. همچنین در داخل ایران در تبریز و اردبیل هم به این مقاله اعتراض شد. در واقع جمهوری آذربایجان کشور کوچکی است و با رسانه می توان کارهای بزرگی در این کشور کرد و جلوی خطرهای بزرگی را گرفت.

3. اسناد ویکی لیکس نشان می دهد که آمریکا موضوع اسلام و بخصوص وضعیت حرکت های اسلامی در روستاهای سنتی اطراف باکو را در رصد دائمی داشته است. سفرهای متعدد دیپلمات های آمریکا به روستاهای سنتی و محافظه کار اطراف باکو برای بررسی میزان نفوذ اسلام سیاسی و ایران در این منطقه قابل توجه است.

4. در اوت 2007، آن درسی، سفیر وقت آمریکا در باکو به روستاهای اطراف باکو سفر کرده است. در این سفر، در دیدار سفیر آمریکا با حاج مهدی (که از پایه گذاران حزب اسلام نیز معرفی شده) در زابرات، حاج مهدی در مورد اقدامات تحریک آمیز دولت باکو در نارداران هشدار داده و گفته است درگیری میان ناردارانی ها با سرمایه دارانی که متعلق به این روستا نیستند، در چارچوب همین تحریکات دولت باکو قرار دارد.

5. اسناد منتشر شده آمریکا در ویکی لیکس نشان می دهد که در برهه انتخابات ریاست جمهوری سال 2008 م از احتمال بروز حرکت های اسلامی بخصوص فعالیت های شیعی در جمهوری آذربایجان نگرانی هایی وجود داشته است و به همین خاطر، نارداران نیز مورد توجه خاص بوده است.

6. مطالعه اسناد ویکی لیکس در مورد رصد مسایل اسلامی جمهوری آذربایجان توسط آمریکا نشان می دهد که اقدامات دولت جمهوری آذربایجان برای مهار اسلام در این کشور در یک خط سیر بدون وقفه قرار دارد. مهمترین حرکت های دولت جمهوری آذربایجان در سیاست مهار تشیع در این کشور، ممنوعیت حجاب در مدارس، تغییرات در قوانین تنظیم کننده امور دین در جمهوری آذربایجان (تغییرات سال های 2009 و 2011) به منظور سخت تر کردن قوانین برای فعالیت های شیعی، تغییرات در ساختارهای اداره مسلمانان قفقاز و کمیته دولتی امور دینی را می توان برشمرد که همگی در یک راستا قرار دارد که برای مهار اسلام حقیقی در این کشور اجرا شده اند.

7. تصرف نارداران و اجرای طرح های تغییر سیما و هویت نارداران، مرحله مهمی از سیاست مهار اسلام ناب در جمهوری آذربایجان می باشد.

از این موارد می توان نتیجه گیری کرد که عملیات تصرف و تغییر سیما و هویت نارداران در صورت موفقیت آمیز بودن، دستاوردهای احیای اسلام ناب در جمهوری آذربایجان را به شدت تحت تأثیر منفی قرار خواهد داد.

در ماجرای نارداران برای روستایی که 8 هزار نفر جمعیت داشت 5 هزار قشون مستقر کردند تا شرایط خوف و هراس را نه تنها در نارداران بلکه در کل کشور ایجاد کنند. قشون کشی سه ارگان وزارت کشور، وزارت امنیت ملی که هنوز در آن زمان به سرویس امنیت دولت تغییر ساختار و نام نیافته بود و دادستانی کل و عملیات ویژه مشترک آنها برای به اصطلاح پاکسازی نارداران تحت نظارت الهام علی اف (رئیس جمهور) انجام گرفت. 71 نفر دستگیر شدند که حدود 30 روز پس از آن، 57 نفر را آزاد کردند. اما، بعد از آزاد کردن این اهالی نارداران، کربلایی ناطق کریم اف، رییس شورای ریش سفیدان نارداران را به علت اینکه با اعلام مواضع و بیان وضعیت نارداران به رسانه ها، اجازه نمی داد نارداران در سکوت کامل قربانی شود نیز پس از اینکه بیانیه ای در محکومیت اعدام آیت الله نمر علیه آل سعودی و وهابی ها صادر کرد، بازداشت و به خیانت به کشور متهم شده است که این نشان می دهد که دولت جمهوری آذربایجان قصد ندارد به هیچ نیروی اسلامگرای واقعی رحم کند.

یک مسئله مهم دیگر، مظلومیت نارداران است. چند دلیل قابل ذکر است. اول اینکه سفارت ایران در باکو به طور رسمی در بیانیه ای که در این ارتباط صادر کرد، آشکارا اعلام کرد ما قصد نداشتیم در این قضیه ورود کنیم. در نتیجه خیال نیروهای امنیتی آذربایجان برای سرکوب بیشتر راحت شد. علاوه بر این، این اقدام سفارت ایران، نظر علمای دینی را در جمهوری آذربایجان بی تأثیر نمود. پیش از این نفوذ کلام علما با قدرت رسانه مانع از اجرایی شدن بسیاری از این دست اقدامات و تحرکات نظیر ممنوعیت حجاب، کنگره یهودیان در آذربایجان و ممنوعیت اذان و حکم تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا (س) شده بود. اما در این قضیه نارداران، برخی اشتباهات دیپلماتیک موجب شد که از نفوذ کلام علما در دولت جمهوری آذربایجان کاسته و تقریباً بی تأثیر شود. پس از حمله به نارداران، تمام نمادهای شیعه را کردند. عین داعش عمل کردند. پرچم ها را کردند و زیر پا انداختند و فیلم آن را ضبط می کردند و پخش می کردند در اینترنت. فقط سر نبریدند. اما در واقع، با تغییر سیما و هویت شیعی نارداران، کوشیدند گردن شیعه را در آذربایجان بزنند. زیرا، حاکمان باکو نارداران را که نماد یک فضای مذهبی شیعی است، نمی خواهند. جایی که مسجدهای فعال و روشنگر دارد. امامزاده آن شبیه حرم های ائمه معصوم و امامزاده ها در ایران و عراق بود. در آنجا آغاز سخنرانی ها با سلام و صلوات بر امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای شروع می شد و این ها را حاکمان باکو نمی پسندند. در اطلاعیه ای هم که در توجیه حمله به نارداران صادر کردند، آشکارا تاکید کردند که ناردارانی ها سبکی دارند که ساختار قانون اساسی دولت لائیک جمهوری آذربایجان آن را نمی پسندد.

موضوع مهم دیگر، اقداماتی است که دولت باکو برای ضربه زدن به جریانات شیعی و تبلیغات اسلامی در جمهوری آذربایجان در سال های اخیر انجام داد. یک حرکت مهم، سفر نماینده ویژه الهام علی اف به تهران بود که به منظور جلوگیری از تبلیغات رسانه ای در حمایت از مسلمانان جمهوری آذربایجان صورت گرفت که البته غیرموفق بود. بعدها باکو از برخی اشتباهات بعضی دیپلمات های ایرانی که در اوایل فعالیت شان در این حوزه، آشنایی خوبی با مسایل جمهوری آذربایجان نداشتند، به خوبی بهره گرفت و از این طریق به فعالیت های رسانه ای ایران در تبلیغ اسلام و حمایت رسانه ای از شیعیان اصیل جمهوری آذربایجان نیز لطمه زد و عملاً وقفه ای در این فعالیت ها ایجاد نمود. این موضوع در بحث اشتباهات

خبری در انعکاس خبری مساله حمله و قشون کشی باکو به نارداران و نیز بایکوت خبری در این مورد در برخی رسانه ها نیز ادامه یافت. باکو در واقع از بروز نوعی دودستگی در خصوص حمایت معنوی و رسانه ای از مردم مسلمانان جمهوری آذربایجان و بخصوص در مساله نارداران سوء استفاده کرده است و اشتباهات دیپلماتیک و تاثیرات آن بر رسانه ها نیز زمینه این سوء استفاده را گسترده تر کرده است. به عنوان نمونه ، موضع گیری آقای جابری انصاری(سخنگوی وزارت امور خارجه ایران) مبنی بر اینکه حمله به نارداران یک روند نیست و یک واقعه ای بوده که به اتمام رسیده است، در تبیین اشتباه مساله نارداران در ایران موثر بوده است و آسایش خاطر باکو را از اینکه می تواند بدون نگرانی از جانب اعتراض رسمی ایران تمامی طرح های خود را برای هویت زدایی از نارداران به اجرا درآورد، به دنبال داشت. به این ترتیب، سازمان های دولتی جمهوری آذربایجان در اقدامات بعدی خود ، سیمای شیعی نارداران را کاملا خدشه دار کردند و این روند را ادامه می دهند تا هویت شیعی اصیل این منطقه را بزدايند که این طرح هدایت شده از طرف صهیونیست ها، در صورت موفقیت خیلی خطرناک خواهد بود و تبعات بدی را در پی خواهد داشت.

در ادامه آقای حسین سرحدچی از افراد حاضر در جلسه مطالبی را به شرح ذیل ارائه کرد وی مساله شیعه هراسی در جمهوری آذربایجان پروژه ای بین المللی است که از سالها پیش برنامه ریزی های لازم برای آن انجام شده است. سالها پیش در گفتگو با یکی از محققان مرکز تحقیقات استراتژیک ترکیه وی به نقل از یکی از ماموران امنیتی سابق سفارت ترکیه در باکو می گفت که در سالهای 1991 میلادی جلسه ای با حضور افراد مختلف اروپایی، آمریکایی، ترکی و عربی تشکیل شد و در آن مصوب شد که طی یک برنامه ریزی مدون تا سال 2000 م جمهوری آذربایجان باید تبدیل به کشوری با ترکیب 50 درصد سنی و 50 درصد مسیحی - غیر مسلمان شود. قرار شد تا امکان فعالیت میدانی به مبلغان ترک و مسیونرهای مسیحی داده شود و پشتیبانی مالی نیز بر عهده عرب ها باشد. اما در اوایل 2000 با تشکیل اجلاسی شکست این طرح اعلام شد و طرح های جایگزین برای آن تعریف شد.

طرح های دیگر ایجاد تقویت جریان های رقیب برای جمهوری اسلامی و مذهب تشیع بود. من جمله جریان های شیعی سکولار، جریان های شیعی تندرو، جریان های وهابی و برای مثال فرقه ای در آذربایجان وجود دارد به نام

«مهدیچیلر» که به جای اشهد ان علی ولی الله می گویند اشهد ان مهدی ولی الله و ایران را به دلیل پیشرفت های علمی مانعی در ظهور امام زمان می دانند. تا به حال گفتمان دینی قالب در آذربایجان از طرف ایران حمایت می شد که با مراجعه این طلاب نجف خوانده با بحران مواجه خواهد شد. جامعه دینی آذربایجان بعد از این دچار تضاد می شود. در واقع ما بعد از این با برخی از مخالفان ایران مواجه می شویم که به مسائل دینی اشراف دارند. به دلیل تفاوتی که در علمای دینی ما در قم و طلاب نجف خوانده وجود دارد و از سوی دیگر با توجه به جو فکری و سیاسی حاکم بر این قشر از طلاب تشنت گفتمانی در مسایل دینی در آینده ای نزدیک در آذربایجان مشهود خواهد بود.

استفاده از کلمه «منطقه شیعه نشین جمهوری آذربایجان» برای منطقه نارداران در رسانه های عمومی ایران نشانه ای از فقر اطلاعاتی در فضای رسانه ای ایران نسبت به آذربایجان است.

چرا که آذربایجان کشوری شیعه است. یعنی ما باید از کلیت آذربایجان به عنوان یک کشور شیعی دفاع کنیم. لذا اینکه بگوییم شهرک یا قصبه شیعه نشین نارداران آذربایجان اشتباه است.

متأسفانه خوش بینی مفرطی در مسئولان نسبت به هیئت حاکمه باکو وجود دارد مسئولان ایرانی همواره سعی دارند تا حجم مبادلات را بین دو کشور افزایش دهند و آن را به عنوان نمادی برای همکاری سازنده بین دو کشور قلمداد کنند این رفتاری از پیش شکست خورده است. چرا که یکی از شروط دائمی آمریکا و غرب برای کشورهای پیرامونی ایران محدود بودن حجم مبادلات آنها با ایران است و همه می دانیم که دولت باکو و خاندان علی اف به هیچ وجه دارای اقتدار و توان لازم برای مقاومت در برابر این مساله و این شروط نیستند. از سوی دیگر خود علی اف ها نیز هیچ تمایلی به همکاری با ایران ندارند و در واقع امتیاز دهی های پشت سر هم به باکو به امید افزایش حجم مبادلات چیزی جز آب در هاون کوبیدن نیست.

با کمال تأسف جریان اسلامی در آذربایجان از روز نخست دچار تولد ناقص شد. اما می شد این نوزاد ناقص الخلقه را درمان کرد جمعیت شوروی سابق جامعه ای الیت محور است. جامعه ای که با دیسپلین سنگین حزب کمونیست بار آمده و حزب را تعریف کرده است. ما در چنین جامعه ای از تشکیل تشکلی دینی تحت عنوان حزب آن هم به دست کسانی که هیچ تجربه تحزب و فعالیت سیاسی نداشتند حمایت کردیم.

نکته دیگر این است که ما نگاهمان به آذربایجان حداقلی بوده در حالی که اسرائیل نگاه بلندمدت تری به آذربایجان داشته است. فعالیت های اسرائیل در آذربایجان در مقایسه با ایران بسیار بیشتر است. ایران نتوانسته است که پتانسیل لازم را در آذربایجان فعال کند.

سرحدچی در ادامه با اشاره به جریان شناسی جریانات مذهبی در درون جامعه شیعی آذربایجان به تحلیل جایگاه حاج طالع باقراف در میان این جریانات پرداخت. وی گفت: حاج طالع متعلق به جریان حاج آبگول سلیمانوف بود که با توجه به جسارت و شجاعت مثال زدنی خود و خصوصاً در شرایط فقدان حضور شخص آبگول توانست کاریزمای رهبری بالایی را از خود بروز دهد. وقتی می‌خواست اتحاد مسلمانان را تشکیل دهد حاج آبگول استقبال کرد.

حاج طالع در عرف متدینین انقلابی مانند شهید نواب صفوی ما الگوی مبارزه شده است. اما این جریان دچار خطای استراتژیک می شود. چون بدون تشکیل تیم فکری تشکیلات خود را راه اندازی کرد.

اصلی ترین مزیت حاج طالع باقراف شخصیت قوی و بیان رسا و توانایی بالای او در تاثیرگذاری بر افراد است، عدم فعالیت فکری جدی، اما عدم مرزبندی صریح و دقیق با جریان های دیگر مخالف دولت یکی از مهمترین نقاط ضعف جریان حاج طالع است.

با این همه اوصاف جریان شیعی در آذربایجان تقویت خواهد شد. با این حال چند نکته وجود دارد: 1. خدشه دار شدن کاریزمای ایران؛ 2. خدشه دار شدن علمای دینی ایران؛ 3. انشقاق جریان مذهبی.

در ادامه جلسه حسین سالاری میانه به ذکر نظرات خود پرداخت. وی رویکرد رسانه ای و سیاسی را در بازتاب اخبار نارداران مورد بررسی قرار داد. مفروض وی این است که این حوادث همانطور که در سیاست ما بازتاب نداشته در رسانه ها نیز بازتابی نداشته است. وی در موشکافی این مسئله به نکات زیر اشاره می کند.

در سال های قبل با وجود نبود شبکه های اجتماعی، ماجرای مسجد حضرت فاطمه(س) توهین روزنامه صنعت به پیامبر اسلام و... بازتاب بیشتری در رسانه های ایران داشت. موضوع چگونگی بازتاب اخبار حوادث نارداران در رسانه های ایرانی از جنبه رویکرد سیاسی رسانه قابل تحلیل است. قطعاً موانع زیادی در

بازتاب درست و گسترده این اخبار وجود داشت که نیازمند بازشناسی و آسیب شناسی است. شاید مهمترین مانع در بازتاب اخبار صحیح نارداران نبود شناخت کافی از منطقه و جنس رخدادها و همچنین بی اطلاعی از وسعت و جدیت حوادث بود.

به لحاظ خبری و رسانه ای اخباری از این دست در ابعاد کوچک منطقه ای است و با توجه به گفتمان سیاسی حاکم بر هر رسانه بازتاب داده می شود. بنابراین در تحلیل چرایی بازتاب یا عدم بازتاب این حوزه باید به جهت گیری سیاسی رسانه ای رجوع کرد.

رویکرد کلی رسانه ها به حوادث نارداران:

1- رسانه های اسلام گرا و شیعه محور برای سرکوب هم کیشان شیعه خود در شمال رود ارس که صرفاً به دلیل مذهب و علاقه به ایران تحت فشار قرار گرفته بودند، اهمیت قائل بوده و تلاش کردند صدای رسای آنها باشند.

2- در نقطه مقابل این نگاه، نگاه غیر مذهبی حاکم بر رسانه های اصلاح طلب قرار دارد که قادر نیستند تفکیکی بین منافع ملی و مسائل مذهبی یا حکومتی قائل شوند و صرفاً بر ارزش های لیبرال غربی توجه دارند. اصولاً مخابره اخبار نارداران حتی در دستور کار اولیه رسانه هایی از این دست قرار نمی گیرد..

3- رویکرد ایرانخواهانه رئالیست که هر نوع علاقه تمدنی اعم از ادبی، زبانی و مذهبی را از جانب شمال رود ارس مهم تلقی کرده و برای آن اهمیت قائل است. این نگاه در عین حال در جستجوی رگه های دیگری علاوه بر مسائل مذهبی در قیام نارداران بوده و مایل بود ماهیتی چندوجهی در این قیام بیابد. از آن جمله می توان به علاقه به یافتن به رگه های سرزمینی و انضمام گرایانه اشاره کرد.

4- رویکرد سکولار مخالف جمهوری اسلامی یکی دیگر از نگاه های موجود بود که بیشتر در فضای اپوزیسیونی رایج بوده و هر حرکت پیرامونی که به نفع جمهوری اسلامی یا ارزش های شیعه تلقی شود را رد می کند. حوادث نارداران در این رسانه ها نیز بازتابی نداشت و حتی بایکوت شد. برخی از ملی گرایان

سکولار نیز در این دسته قرار داشتند. آنها هرچند برای منطقه آران اهمیت تاریخی قائلند اما تمایلی به توضیح این اهمیت از نقطه نظر مذهبی نشان نمی دهند و ادعا می کنند که در صورت ورود ایران از منظر دینی به این منطقه، رژیم باکو نیز اقدام به تحریک جریان های پان ترکيست و افزایش سرمایه گذاری بر روی آنها خواهد کرد.

5- و اما مهمترین مانع بازتاب اخبار نارداران، نگاه مصلحت جویانه و مدیریتی بود؛ که بیش از هر چیز ملهم از سیاست های وزارت امور خارجه بوده و قصد نداشت پس از برجام و تنش با کشورهای غربی و ترکیه، جبهه چالش زای دیگری برای کشور باز کند بنابراین از یکسو سعی در تخفیف حوادث داشت و از سوی دیگر تلاش می کرد با توسل به اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها اتهامات وارده از سوی سیاستمدارانی چون سیاوش نوروزف که ایران را عامل تحریک حوادث نارداران جلوه می داد خنثی نماید.

6- علاوه بر نکات فوق الذکر، در میان رسانه های مهم اپوزیسیون بی.بی.سی فارسی و رادیو فردا به این موضوع پرداختند. رویکرد بی.بی.سی فارسی در گزارش خود که در تاریخ 20 آذر منتشر شد مثبت بود و سعی داشت از منظر حرفه ای و خبررسانی به موضوع بنگرد. رادیو فردا نیز حداقل سه خبر و گزارش در خروجی خود قرار داد که بیشتر از گزارش های برخی رسانه های عمده داخلی بود. این گزارش ها هم به صورت شنیداری از رادیو پخش شد و هم در وب سایت این رسانه قرار گرفت.

پرداخت این دو رسانه مهم فارسی زبان به موضوع نارداران باعث پخش بیشتر خبر در شبکه های اجتماعی به ویژه فیس بوک گردید که در مجموع مثبت ارزیابی می شود.

موانع جدی اقبال به موضوع نارداران:

اگر بخواهیم سیاهه ای از دلایل مهم عدم اقبال به موضوع نارداران را در این جا بیاوریم شاید بتوان به موضوعات زیر اشاره کرد:

1- بی علافگی رسانه های مرکز به مسائل کلان آسیای میانه و قفقاز به ویژه در حوزه خبر و تیتر

2- بی‌اطلاعی جامعه سیاسی و روزنامه‌نگاری از مسائل قفقاز به دلیل ماهیت تخصصی آن و اولویت مسائل سیاست داخلی برای رسانه‌های بزرگ

3- بی‌اطلاعی از وسعت و جدیت موضوع و ناآشنایی با نارداران

4- عدم جذابیت ماهیت مذهبی و ایدئولوژیک جنبش نارداران در گروه‌هایی که هرچه بیشتر به سمت سکولارشدن پیش می‌روند.

5- بی‌اطلاعی جامعه خبری از مصالح ملی و سرمایه‌گذاری در کشورهایی چون آذربایجان.

6- تداوم برنامه‌های جاری استانداری و شهرداری تبریز با باکو و آنچه که از آن به عنوان تلاش جهت جذب سرمایه یاد می‌کنند و در نتیجه بی‌اعتنایی رسانه‌های نزدیک به شهرداری و استانداری به این موضوع به منظور جلوگیری از تیرگی یا وقفه در برنامه‌های فیما بین.

7- افزایش بی‌توجهی مسئولین اجرائی به مسائل خارجی نظیر مسئله نارداران و در اولویت قراردادن مسائل داخلی می‌گردد.

8- نبود شناخت کافی از رهبران جنبش نارداران، اهداف و برنامه‌های آنها در ایران

9- نبود یک گزارش جامع اولیه از حوادث که شامل معرفی ناحیه جغرافیایی، توصیف رخداد، شناسایی رهبران، اهداف جنبش و طرز نگاهشان به ایران باشد. این گزارش می‌توانست منبع اولیه خوبی برای گزارش‌های بعدی باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

امتداد فرهنگی ایران، خارج از مرزهای سیاسی کشور را به طور جدی در حوزه‌های هنر، معماری، موسیقی، نژاد، زبان و تاریخ یا ادبیات باید پیگیری نمود. حفظ موجودیت ایران فرهنگی به اندازه بقای ایران سیاسی دارای اهمیت و اعتبار است. از سوی دیگر ایران دارای هویتی چندلایه است و این مهم‌ترین نقطه قوت هویت ایرانی است که می‌تواند براساس هر یک از عناصر آن با یکی از مناطق پیرامون خود ارتباط معنوی برقرار سازد. ادبیات فارسی و معماری در آسیای میانه و افغانستان تکیه‌گاهی مهم برای ایران است، همین نقش را ادبیات فارسی و تشیع در قفقاز مسلمان‌نشین ایفاء می‌نماید. یکی از علل بی‌توجهی جامعه ایرانی به

تحولات قفقاز آشنا نبودن آنها با میراث این حوزه است. شهروندان ایرانی بر این پندارند که میراث ایران در قفقاز به فراموشی سپرده شده است. در حالی که چنین نیست. بنابراین، مقالات، مستندات و آثاری لازم است تا بتواند حقایق تاریخی را درباره این ناحیه مورد توجه قرار دهد. از سوی دیگر نگاهی خصم آلود و همراه با خشم عامیانه ای به آن ناحیه وجود دارد که به تبعات جدایی آنها از ایران باز می گردد. این نگاه نیز باید اصلاح شده و حساسیت جامعه دانشگاهی و فعال به این نقطه معطوف گردد.

پیشنهاد می شود:

1- در مواردی از این دست گزارشی فراگیر از رخدادها و تحولات جمهوری آذربایجان با اشاره به منافع ملی در صدا و سیما تهیه، و در اختیار بقیه فعالان سیاسی، رسانه ای، پژوهشگران و رسانه های همسو قرار گیرد تا مرجعی برای سایر رشته های داخل و خارج باشد.

2- نوشته ها و معرفی نامه هایی در راستای شناساندن چهره های سیاسی ایرانگرا در شمال رود ارس تهیه و در اینترنت به عنوان مرجع قرار گیرد.

3- جامعه ایرانی علاقه دارد علاوه بر سویه های مذهبی و شیعی تمدنی سرزمینی را نیز در چنین مواردی ببیند. بنابراین در صورت وجود سویه های تاریخی و ادبی و هنری در حرکت هایی از این دست معرفی آن به جامعه ضروری است.

در پایان آقای محمد صالح جوادی در خصوص انعکاس اخبار نارداران در رسانه های غربی این گونه گفت:

یکی از محورهای عمده ی تحلیل های غربی در مورد وقایع نارداران خلأ وجودی یک راهبرد درست از سوی دولت باکو و بروز برخوردهای هیجانی از سوی آن در طول ماجرا می باشد که البته قابل نقد است. شواهد دال بر ناگهانی و برنامه ریزی نشده بودن این برخوردها بسیار اندک و از سوی دیگر شواهد و قراین در مورد وجود یک سناریوی از پیش تعیین شده برای این حمله و سرکوب بسیار زیاد است. یکی از موارد اصلی و عمده انتخاب زمان انجام این برخورد است. در واقع یکی از مشخصه های دولت باکو در برنامه ریزی و اجرای تحرکات سرکوب گرایانه ی آن تلاش جهت کاهش تبعات بین المللی و منطقه ای این تحرکات و کاهش فشار افکار عمومی منطقه و جهان در قبال اقدامات خشن و سرکوب گرایانه خود بوده است. از

این رو انتخاب زمان حمله به نارداران در 27 نوامبر 2015 جای تامل می یابد آنگاه که پس از سرنگون شدن بمب افکن سوخوی روسیه توسط جنگنده های ترکیه در 24 نوامبر، این رویداد و تنشهای ناشی از آن در روابط ترکیه و روسیه به سرتیتر خبرهای جهان تبدیل می شود و ماجرا از چنان ابعاد و اهمیتی برخوردار می شود که در سایه ی آن حمله ناجوانمردانه به شیعیان بی دفاع نارداران به یک خبر حاشیه ای و کم اهمیت بدل می شود.

در ضمن باید توجه داشت که در سطح منطقه ای نیز ما شاهد برخوردهای فرصت طلبانه و البته در مواردی عجیب با جریانهای اسلامی شناسنامه دار و اصیل توسط دولتهایی که گویا وضعیت بحرانی سوریه و عراق را غنیمت شمرده و در صدد تسویه حساب با فعالان اسلامی میانه رو هستند و در چارچوب یک نگرش کلان ضداسلامی در صدد پیاده سازی سناریوهای صهیونیستی هستند را شاهدیم. برای مثال صحنه سازیهای صورت گرفته توسط دولت تاجیکستان برای از میدان به در کردن تنها حزب اسلامی دارای مجوز رسمی فعالیت در حوزه CIS را باید زنجیره ای از یک سلسله تحرکات اسلامستیزانه در منطقه دید که از دوشنبه تا باکو را دربرمی گیرد. اقداماتی که معطوف به از میدان به در کردن فعالان اسلامی میانه رو توسط دولتهای ضد اسلامی است که در سیاستی پیچیده و به ظاهر تناقض نما و در باطن حساب شده، میانه روها را سرکوب نموده و از میدان به در می کنند و به وهابیهها میدان می دهند. رویکردهایی که ردپاهای سعودی و حامیان منطقه ای تروریسم و افراط گرایی و دشمنان جمهوری اسلامی ایران را نیز در آن باید دید و درست همین موارد است که در تحلیلها و اخبار غربیها مغفول است. در اخبار و تحلیلها دو روایت به طور همزمان عرضه می شود.

یکی روایت رسمی دولتی که مردم نارداران را به نقض قوانین و گروه حجت الاسلام باقرزاده را به تدارک عملیات تروریستی متهم می کند و یکی هم روایت برخی شاهدان عینی و بلاگرها که ادعاهای دولتی را بدون ذکر جزئیات دقیق مخدوش می خوانند. اما آنچه در این بین مغفول می ماند این است که افراط گرایی که دولت باکو در مورد شیعیان نارداران به کار میبرد و یا اسلامگرایی که این خبرگزاریها و تحلیلگران در مورد فعالان شیعی نارداران عنوان می کنند بسیار متفاوت از افراط گرایی فعالان تروریست در سوریه و عراق است و اساسا شیعیان جمهوری آذربایجان با آنچه که تصویر کنونی دنیا از افراط گرایی در ذهن دارد بسیار فاصله دارند. در واقع عدم اشاره به مطالبات برحق مردم نارداران برای فراهم بودن انجام

فرایض دینی و بهره مندی از حداقل آزادیهای دینی، زمینه را برای سوءبرداشتهای در مورد مطالبات این مردم و رهبران آنها فراهم می‌کند.

البته برخی تحلیلها با اشاره به سال 2011 م به منزله نقطه عزیمت اعتراضات متدینین جمهوری آذربایجان علیه دولت به موضوع ممنوع شدن حجاب در مدارس اشاره می‌کنند اما از توضیحات بیشتر در مورد قانون ضد اسلامی و ضد فرهنگی مذکور خودداری می‌نمایند. همچنین به حکم غیرعادلانه 12 سال حبس محسن صمدوف به دلیل اعتراض به قانون غیر انسانی مذکور اشاره نمی‌کنند.

برخی از تحلیلها به تاثیرات جمهوری اسلامی ایران بر مردم نارداران اشاره دارند اما بهانه جویبهای دولت باکو مبنی بر دست داشتن ایران در تحرکات مردم نارداران را رد می‌کنند و این تاثیر را غیرمستقیم و ناشی از اشتراکات مذهبی و فرهنگی برمی‌شمارند اما در عین حال یادآوری می‌نمایند که ریشه اعتراضات مردم نارداران نه مذهبی بلکه معیشتی و اقتصادی است. در این موارد تحلیلگر در نهایت نتیجه می‌گیرد که باید با میدان دادن به فعالان غربگرا و اجرای برنامه های اصلاحی غربی به ویژه در حوزه آزادیها مدنی و توسعه خدمات اجتماعی، زمینه های نارضایتیها از این دست که در نارداران وجود دارد از میان برده شود. در واقع این گونه تحلیلها در پی مصادره به مطلوب اعتراضات مذهبی مردم دیندار نارداران در جهت منافع غربگرایان جمهوری آذربایجان است که غیرمنصفانه و دور از واقعیت است. زیرا مردم نارداران از لحاظ مسایل و مشکلات معیشتی در جمهوری آذربایجان استثنا محسوب نمی‌شوند و همانند آنها در جای جای این کشور در نتیجه سیاستهای اقتصادی غلط و تبعیض آمیز دولت باکو وجود دارند، اما چرا مردم نارداران هدف حمله قرار می‌گیرند، پاسخ دیگری دارد و آن هم پایداری آنها در حفظ شعائر اصیل فرهنگی و مذهبی آنها است و این همان چیزی است که در تیتراژ برخی خبرگزاریهای غربی در اطلاع رسانی درباره وقایع نوامبر نارداران صورت گرفت و آن عبارت بود از «حمله دولت جمهوری آذربایجان به دژ شیعیان این کشور».

به هر روی یکی از شیطنتهای رسانه های غربی در بازتاب خبری وقایع نارداران عدم اطلاع رسانی درست آنها درباره هویت عمده شیعی این کشور از لحاظ جمعیتی است. عدم توجه دادن به مشخصه هایی از این دست، تصویری که از نارداران ارائه داده است به منزله یک هویت و موجودیت مینیاتوری و یا اقلیت در این کشور است.

عدم اطلاع رسانی در مورد فعالیتهای وهابیهها در جمهوری آذربایجان و اهمیت فعالیتهای متدینین شیعه در برابر آنها نیز از شیطنتهای خبری در انعکاس وقایع نارداران است. گره زدن وقایع نارداران به بحران سوریه و فضای تحرکات افراط گرایان در جهان اسلام از شیطنتهایی است که مظلومیت فعالان شیعی جمهوری آذربایجان را بیش از همیشه مینمایاند. در حالی که دولت باکو دست در دست دشمنان جهان اسلام این کشور را به عرصه فعالیتهای وهابیهها بدل ساخته است، فعالان شیعه را با دروغ افکنی به افراط گرایی متهم ساخته و سرکوب می کند و در این بین اتهاماتی را به همسایه بزرگ و صبور خود می زند که حتی رسانه های غربی نیز آنها را بی پایه می خوانند.

